



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



تاریخ نشر: اول جون ۲۰۱۶ میلادی

## حکایت ۲۲۲

دبیریت از پیشه ها ارجمند  
وزو مرد افتاده گردد بلند

«فردوسی»

## بلاغت

در سال ۳۲۸ ماکان بن کاکي که یکی از رجال واعیان دیلم بود وقبل از آن تاریخ یکبار دیگر هم در سال (۳۱۰) بر امیر نصر بن احمد سامانی عاصی شده بود عصیان خود را تجدید نمود ونا فرمانی آغاز کرد .

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی  
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعيد افغاني » با ذکر مأخذ آن آزاد است

امیر نصر لشکری سرداری ابو علی احمد بن محتاج چغانی (سپهسالار خراسان که در سال ۳۴۴ در گذشت) بجنگ ماکان فرستاد و ماکان در اثنای جنگ (ظاهراً در سنه ۳۲۹) کشته شد.

ابوالقاسم اسکافی دبیر و منشی معروف عصر سامانیان در ملازمت ابوعلی بود و ابو علی از وی خواست خبر این فتح را بر کاغذ کوچکی بنویسد که پیش از رسیدن قاصد و ارسال فتحنامه مفصل امیر نصر از واقعه مطلع گردد و منظور ابوعلی آن بود که این خبر بوسیله کبوتر قاصد بامیر نصر فرستاده شود.

**ابوالقاسم اسکافی ، کاغذ پاره ای برداشت و بر آن نوشت :**

**اما ماکان فصار کاسمه ، والسلام .**

**یعنی ماکان مانند اسم خودش شد یعنی نیست شد .**

نظامی عروضی که راوی این حکایت است و سهواً بجای امیر نصر بن احمد نام پادشاه آن عصر را امیر نوح بن منصور نوشته است ، میگوید :

ازین « ما » مای نفی خواست و از کان فعل ماضی تا پارسی چنان به امیر نوح ابن منصور رسید ازین فتح چندان تعجب نکرد که ازین لفظ بود که ماکان چون نام خویش شد یعنی نیست شد، چون این کبوتر و اسباب ترفیه اسکافی تازه فرمود و گفت :

چنین کس فارغ دل باید تا به چنین نکته ها برسد .

**سلسله این حکایات جالب ادامه دارد...**

[www.24sahat.com](http://www.24sahat.com)

**www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی**